

شب باشکوه شاگردان پیاتزا، تسلیم شدن دیوار چین و عبور از طوفان هاینن

رقص روی لبه تیغ



نگار رشیدی

صدای بر خورد توپ با کف پوش سالن، فریادهای کرکننده تماشاگران و آلتهایی که از روی سکوها تا قلب زمین مسابقه امتداد داشت، اینجا، در آوردگاه قهرمانی مردان آسیا ۲۰۲۶، همه چیز بوی یک جنگ تمام عیار را می داد. دبداری که روی کاغذ تنها سومین ایستگاه هر حله گروهی بود، اما در واقعیت، نقطه عطفی برای اثبات هویت نسل جدید والیبال ایران به شمار می رفت. نبرد با چین، حریفی که همواره با دیسپلین خاص شرقی و حالا با چاشنی جنون یک مربی اروپایی به میدان آمده بود، برای شاگردان روپر تو پیاتزا چیزی فراتر از یک بازی معمولی بود. ایران با پیروزی سه بر یک (۲۵-۲۳، ۲۵-۲۵، ۲۲-۲۵، ۲۲-۲۵) نه تنها صدرنشینی گروه را با اقتدار به نام خود سوند، بلکه پیامی واضح برای تمام قاره فرستاد؛ بلندقامتان ایرانی از دل روزهای سخت، بار و حبه ای پولادین و تاکتیکی مدرن بر خاسته اند.

برای درک عمق ایسن پیروزی، باید نگاهی به نیمکت های دو تیم بیندازیم. در یک سو، روپر تو پیاتزا، آمردی با تفکرات کلاسیک و در عین حال مدرن ایتالیایی ایستاده بود؛ مربی ای که به دنبال مدینه کردن نظم، کاهش ضرب اسشیاها ت فردی و استفاده حداکثری از پتانسیل تک تک بازیکنان است. در سوی دیگر، ویتال هاین بلژیکی حضور داشت. مربی که تلاش با حاشیه، اعتراض و البته موفقیت های بزرگ گره خورده است. هاین که هر روز گاری لهستان را بر بام جهان نشاند، حالا ماموریت یافته تا والیبال چین را از خواب زمستانی بیدار کند. چین تحت هدایت او دیگر آن تیم قابل پیش بینی گذشته نیست. آنها تیمی جنگنده، پر انرژی و متکی بر سرویس های ریسکی و

سهراب بختیاری زاده و تولد یک استقلال با شخصیت

سمفونی امید

نازنین دشتی

در اتمسفر پر التهاب و غالباً مسموم فوتبال ایران، نشست های خبری پیش از بازی ها معمولاً به تریبون برای تاله، بهانه تراشی و مرزبهرایی تبدیل شده اند. عادت کردیم که سرمربیان پیش از آنکه سوت آغاز مسابقه به صدا در بیاید، سیر دفاعی خود را با جملاتی تکراری بالا ببرند؛ دست خالی است، بازیکن ندارم، پنجره بسته است و زمین خراب است. در چنین فضایی که فرار و ربه جلو به یک تاکتیک همیشگی در میان مربیان لیگ بر تر ی تبدیل شده، ناگاه صدای آرام اما قاطع مردی با ریش های سفید در سالن کنفرانس می پیچد که معاللات را به هم می ریزد و با قعادتسم خالی نیست، چون بازیکنان حرفه ای و با شخصیتی دارم. این جمله سهراب بختیاری زاده پیش از دیدار با یابکان، تنها یک اظهار نظر ساده بر ای فرا از فشار های رسانه ای نبوده بلکه مانیفست مردی بود که تصمیم گرفته استقلال را نه با پانه، بلکه با یاوران نوبساز. در روزهای که پنجره های نقل و انتقالاتی بسته، همچون دیواری بلند سایه سنگین خود را بر اردوگاه ایی هانداخته است، سهراب به جای نشستن در سایه و گلایه از تاریکی، تصمیم گرفته تا از همان داشته هایش، نوری برای آینده بسازد.

سندروم دست های خالی و شجاعت پذیرش

برای درک بزرگی کار بختیاری زاده در این مقطع زمانی، باید به وانشناسی خرتکن در فوتبال نگاه کرد. وقتی یک سرمربی مدام از کمبودها صحبت می کند و نداشته هایش را در بوق و کرنا می دمد، اولین پیامی که به بازیکنان فعلی اش مخابره می کند این است؛ شما برای من کافی نیستید. این پیام، به سرعت اعتماد به نفس تیمی را ویران می کند. اما سهراب در قامت یک رهبر پخته، دقیقاً در نقطه مقابل این کلیشه حرکت کرد. او با گفتن این جمله که دستم خالی نیست، در واقع یک سیر محافظتی فولادین دور بازیکنان فعلی اش کشید. او به سعید سحر خیزان، محمدرضا ازادی، جلال الدین ماشا بریووف و جوان ترهای مثل علیرضا کوشکی و محمدحسین اسلامی پیام داد که به آنها اعتماد کامل دارد. بختیاری زاده به وضوح نشان داد که نمی خواهد انتظارات را پایین بیاورد. او صراحتاً گفت: «می توانستم دنیال این باشم که انتظارات را پایین بیاورم. اما این موضوع در وجود من نیست.» این یعنی تریق زن قهرمانی به هر گه ای تیمی که شاید در ظاهر از نظر مهره با کمبودهایی مواجه باشد، اما در باطن، راهبری که بهانه نمی آورد، در حال تبدیل شدن به یک لشکر تسلیم نا پذیر است.

سایه بر آنکودر نیمه آبی پایتخت

رویکرد این روزهای سهراب بختیاری زاده، به شدت یادآور یکی از درخشان ترین و تحسین برانگیزترین پروژهای تاریخ لیگ بر تر است. در روزهایی که آنکودا یونکوویچ در پرسپولیس با پنجره های بسته مواجه شد، در آن مقطع تاریخی، پرسپولیس نه تنها از جذب بازیکن محروم بود، بلکه ستاره های اصلی خود را نیز از دست داده بود و با نیمکتی متشکل از بازیکنان امید و

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: tosee_irani@gmail.com

شماره ۲۲۷۰/ پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۵/ ۲۸/ ربیع الاول ۱۴۴۸/ ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶

پیروزی سه بر صفر مقابل چین می توانست بیش از پنج امتیاز حیاتی به حساب ایران واریز کند، اما واگذاری ست دوم باعث شدن این دستاورد به ۳.۳۶ امتیاز تقلیل یابد. از دست دادن حدود ۱.۷ امتیاز، در روزهای پایانی ماراتن کسب سهمیه، می تواند تفاوت میان پرواز به لس آنجلس یا ماندن در خانه را رقم بزند

دارد و مسیر رسیدن مستقیمش به المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس بسیار ناھموار است، صعود از طریق تکنیک جهانی تنها راه نجات است. از دست دادن حدود ۱.۷ امتیاز در این مسابقه، شاید در حال حاضر به چشم نیاید، اما در روزهای پایانی ماراتن کسب سهمیه، همین صدم امتیازها می تواند تفاوت میان پرواز به لس آنجلس یا ماندن در خانه را رقم بزند. مسابقات قهرمانی آسیاد این دور، علاوه بر جذابیت های فنی، با یک حاشیه عجیب مدبریتی نیز همراه بود. فدراسیون جهانی و رسانه والیبال ورلد، در اقدامی آماتور گونه، بارها برنامه مسابقات مرحله به چهارم نهایی را تغییر دادند؛ اتفاقی که اعتراض کادر فنی تیم را به همراه داشت. با این حال، جدول نهایی مسابقات مشخص شد؛ ژاپن با وجود امتیاز برابر، به دلیل معدل بوئن بهتر در رده اول کلی قرار گرفت و ایران دوم شد. این، به ندرت، یک مزیت استراتژیک بزرگ برای ایران به همراه داشت؛ جدا شدن مسیر ایران و ژاپن از فینال مسابقات.

برنامه قطعی ایران در مراحل حذفی

یک چهارم نهایی (پنجشنبه ۱۹ شهریور – ساعت ۱۴:۰۰): ایران باید به مصاف تیم هفتم جدول، یعنی چین درآید. در چنین کنه از نظر فنی، توان مقابله با قدرت هجومی و دفاع روی تور ایران راندارد و این بازی می تواند فرصت مناسبی برای ریکواری وانی و تاکتیکی شاگردان پیاتزا باشد.

نیمه نهایی: در صورت عبور از چین تایپه، برنده دیدار ایران و استرالیا در انتظار ایران خواهد بود. رویارویی با هر یک از این دو تیم، ایران را در قامت مدعی اصلی پیروزی و صعود به فینال قرار می دهد. حالا همه چیز برای یک پایان بندی حماسی آماده است. در سووی دیگر جدول، ژاپن باید از سد هند و سپس برنده کره جنوبی و چین بگذرد. اگر شگفتی خاصی رخ ندهد، سالن مسابقات در روز فینال، میزبان بزرگ ترین دربی والیبال آسیا خواهد بود؛ ایران و ژاپن. امین اسماعیل نژاد، کاپیتان بر صلابت تیم، هدف نهایی را این گونه ترسیم می کند: «هدف اول و حالا، هیچ دیواری به فینال و قهرمانی در آسیاست. امیدوارم پله به پله پیش برویم و پیشرفت تیمی مان را به رخ کشیم.» تیم ملی والیبال ایران با رهبری هوشمندانه روپر تو پیاتزا، درخشش ستاره های جوان و تجربه بازیکنان کلیدی، از دل طوفان عبور کرده است؛ پیروزی بر چین، تنها یک برد نبوده، بلکه اعلام موجودیت دوباره تیمی بود که می خواهد بار دیگر پادشاه مطلق قاره کهن باشد. والیبال ایران بیدار شده است و حالا، هیچ دیواری نمی تواند مانع پرواز عقاب های ایرانی به سووی جام قهرمانی شود.

تک تک بازیکنانش نیاز دارد، حاضر نیست اصول، دیسپلین و شان نام استقلال را فدای مصلحت اندیشی های مقطعی کند. هواداران استقلال سال ها تشنه چنین اقتداری روی نیمکت خود بودند؛ اقتداری که نه با فریاد و جنجال، بلکه با آرامش و قاطعیت اعمال می شود.

از مراقبت تا بازسازی

نگاه فنی بختیاری زاده به بازیکنانش نیز در نوع خود کلاس درس است. او بازیکنی مثل ماشا بریوفا را که مدت ها از شرایط مسابقه دور بوده، با سواس و دقت به چرخه تیم بازی می گراند. او در مورد جوانان تیمش، بلحتی پرهیز در عین حال حرفه ای صحبت می کند و معتقد است نباید به آنها شوک وارد کرد؛ بلکه باید از آنها مراقبت کرد. این نگاه حمایت گرانه در مورد مهاجمان تیم نیز صدق می کند. در حالی که بسیاری از تیم ها به دنبال خریدهای نجومی در خط حمله هستند، سهراب با اعتماد به محمد رضا ازادی و سعید سحر خیزان، بار وانی را از دوش آنها بر می دارد. او می داند که وینگرهای تهاجمی و تکنیکی مثل یاسر اسانی، علیرضا کوشکی و محمدحسین اسلامی، می توانند موتور محرک تیم باشند. او متشکل رادر نبوده مهاجم شددگند نمی بیند، بلکه معتقد است تیم باید با موقعیت های بیشتری خلق کند. این تغییر زاویه دید از انتقاد از بازیکن به بهبود عملکرد تیمی، نشان دهنده بلوغ تاکتیکی سرمربی استقلال است. حتی در مورد بازیکنی مثل مهرا ن احمدی، سهراب با بی صبری منتظر بازگشت او به میدان آمده ال است و با صراحت می گوید: «تلاش می کند که بر گردد و ما هم به او کمک می کنیم.»

تنهایی باشکوه

نگاه سهراب بختیاری زاده به موضوع انتخاب دستیار خارجی نیز نشان دهنده عزت نفس او و باشگاه است. او صادقانه اعتراف می کند که همه چیز از انمی داند و به همفکری نیاز دارد، اما حاضر نیست به هر قیمتی و تحت هر شرایط تحمیلی و بندهای عجیب و غریب قرار دادی، مربی خارجی به تیم بیاورد. او استقلال را کوچک نمی کند. سهراب بختیاری زاده امروز در نقطه ای ایستاده است که شاید خیلی از مربیان از قار گرفتند بر آن و ا همه داشته باشند. او میراث دار تیمی است که انتظارات از آن منتظر است، در حالی که ابراز آمرد و بر آورد کرد این انتظارات در اختیارش نیست. با این حال، او ترجیح داده به جای نقاب زدن و بازی در نقش قربانی، در دای یک مبارز واقعی ربه تن کند. وقتی او می گوید تیم امید برای من مهم است، ما شرایط تیم ما مثل تیم های دیگر نیست و باید از بازیکنان مراقبت کنم، نشان می دهد که او تمام قد ای منافع استقلال ایستاده است. او در حال خلق یک ترانسین در استقلال است؛ رنسانسی که بر پایه احترام متقابل، دیسپلین آهنین، اعتماد به جوانان و از همه مهم تر، بهانه بیابردن بنا شده است. فوتبال ایران به مربیانی از جنس سهراب بختیاری زاده نیاز دارد. مربیانی که وقتی روبه دور بین حامی نشینند، به جای سیاه نمایی، بذرا امید می کارند. سهراب با همان ریش های سفید و کوله باری از تجربه ای که از روزهای جوانی در مستطیل سبز به یاد دارد، نشان داد که استقلال او، شاید پنجره اش بسته باشد، اما مشت هایش را برای جنگیدن گره کرده است و این، رایتارین تصویری است که هواداران آبی پوش می توانند در این روزهای سخت به آن دل ببندند؛ تصویر تیمی که رهبرش به جای خالی بودن دست ها به بزرگی قلب بازیکنانش ایمان دارد.

